

شناسایی مبانی فکری انجمن حجتیه و گرایش جوانان شهر تهران به اندیشه انتظار منفعل

مجید رضائیان^۱
آرزو غیاثوند^۲

چکیده: انجمن حجتیه از جمله مراکزی است که اندیشه انتظار منفعل در دوران غیبت را تبلیغ و ترویج می‌کند. نظر به آنکه گرایش مذکور در تضاد با جریان فرهنگی انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن است، می‌تواند پیامدهای منفی در جامعه اسلامی به همراه داشته باشد. از این رو در جریان پژوهش حاضر بر آن شده ضمن شناسایی مهم‌ترین مؤلفه‌های این اندیشه، به میزان گرایش جوانان شهر تهران به آن پرداخته شود. برای گردآوری داده‌ها، در بخش تاریخی از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و در بخش میدانی از شیوه پیمایش و ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز در بخش تاریخی با بهره‌مندی از روش تحلیل محتوای کیفی و در بخش میدانی با روش آماری صورت گرفته است. نتایج تحقیق گویای آن است که مخالفت با برپایی حکومت اسلامی در دوران غیبت، جدایی دین از سیاست، عدم مبارزه با ستمگران و مفسدان در عصر غیبت، بدعت شمردن فلسفه و عرفان، مخالفت وحدت با اهل تسنن و غیره، از مهم‌ترین مؤلفه‌های این اندیشه به شمار می‌رود. ضمناً این یافته‌ها حاکی از آن است که از نظر گرایش به مؤلفه‌های یادشده، ۲۱/۶ درصد از پاسخ‌گویان در سطح بسیار کم، ۳۰/۵ درصد در سطح کم، ۳۷ درصد در سطح متوسط، ۹/۱ درصد در سطح زیاد و ۱/۸ درصد در سطح بسیار زیاد قرار دارند. در مجموع، با توجه به میانگین حاصله می‌توان گفت گرایش به مؤلفه‌های یادشده در بین جوانان شهر تهران در سطح کم ملاحظه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: انجمن حجتیه، انتظار منفعل، انتظار پویا، جوانان

10.221.16.62.5

rezaeian@soore.ac.ir

ORCID: 0000-0003-1365-564X

۱ استادیار گروه مدیریت فرهنگی و رسانه دانشگاه سوره، تهران، ایران.

۲ کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده فرهنگ و علوم ارتباطات دانشگاه سوره، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

arezooghiyavand8@gmail.com

ORCID: 0000-0001-8223-9979

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۸ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۹/۱۷




Assessing the Intellectual Underpinnings of the Hojjatieh Society and Evaluating the Attitudes of Tehran's Youth Towards Passive Awaiting


Majid Rezaeian¹
Arezu Ghiyasvand²

Abstract: The Hojjatieh Society (Anjoman-e-Hojjatieh), a traditionalist Iranian Shiite organization, advocates for passive awaiting during the period of occultation. This ideology contrasts with the cultural movement of the Islamic Revolution and its subsequent system, potentially causing negative consequences for the Islamic community. This study aims to identify key components of this ideology and to examine its influence on young people in Tehran. Historical data was collected through documentary and desk study methods, while a survey and a questionnaire were employed for field research. Qualitative content analysis was used for the historical part, and statistical methods were applied to the field data. The study's findings reveal that the Hojjatieh Society's key ideological tenets include opposing the establishment of an Islamic government during occultation, advocating for the separation of religion and politics, and discouraging active resistance against oppressors and corruption during this period. Additionally, the society dismisses philosophy and mysticism as illegitimate innovations and opposes unity with Sunni Muslims, highlighting the distinct beliefs and practices that define this traditionalist Shiite organization. The results suggest varying degrees of inclination towards the Hojjatieh Society's key tenets among the surveyed population of young individuals in Tehran; 21.6% of respondents demonstrated a very low inclination, 30.5% exhibited a low inclination, 37% showed a medium inclination, 9.1% displayed a high inclination, and 1.8% reported a very high inclination. Collectively, these findings point to an overall low level of inclination towards these ideological components among Tehran's youth.


Keywords: Hojjatieh Society, passive awaiting, active awaiting, youth.

 10.221.16.62.5


1 Assistant Professor, Cultural and Media Management Department, Soureh University, Tehran, Iran.
rezaeian@soore.ac.ir

 ORCID: 0000-0003-1365-564X

2 MA in Social Communication Sciences, Faculty of Culture and Communication Sciences, Soureh University, Tehran, Iran (Corresponding author). arezooghiyasvand8@gmail.com

 ORCID: 0000-0001-8223-9979

Receive Date: 2024/10/19 Accept Date: 2024/12/07

 Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

اعتقاد به ظهور منجی موعود در نزد اقوام و ملل مختلف با آیین‌ها و فرهنگ‌های متفاوت، به صورت‌های متنوعی مطرح شده است، اما همه در این نکته توافق دارند که نجات‌بخشی خواهد آمد و آنان را از ستم و حاکمان زورگو رها خواهد کرد و جامعه‌ای پر از عدل و داد به وجود خواهد آورد (تونه‌ای، ۱۳۸۷: ۷۰۶). از این جمله می‌توان به دین اسلام اشاره کرد. مطالعات انجام‌شده حاکی از آن است که اعتقاد به مهدی موعود از عقاید مسلم نزد همه مسلمانان است. تمام فرق اسلامی به ظهور منجی موعود در آخرالزمان امید و اعتقاد دارند؛ گرچه در چگونگی و ویژگی‌های فردی او اختلاف وجود دارد. بنابراین شیعه و سنی به سبب احادیث متواتر از پیامبر اسلام^(ص) به منجی موعود اعتقاد راسخ دارند که با آمدن او، بساط ظلم و جور برچیده و عدل و قسط برپا می‌شود (گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ۱۳۸۹: ۲۲۷). محمدبن حسن عسکری^(ع) مشهور به امام مهدی^(عج)، امام زمان و حجت‌بن‌الحسن (متولد ۲۵۵ق)، دوازدهمین و آخرین امام شیعه دوازده امامی است. شیعیان معتقدند او همان مهدی موعود است که پس از دوره طولانی غیبت، ظهور خواهد کرد. دوره امامت او پس از شهادت پدرش امام حسن عسکری^(ع) در سال ۲۶۰ق. آغاز شده است. براساس منابع شیعه، حکومت عباسی در دوره امامت امام حسن عسکری^(ع) در صدد یافتن فرزند وی به عنوان مهدی و جانشین پدر بود؛ از این رو تولد امام زمان^(عج) مخفی نگه داشته شد و جز چند تن از یاران خاص امام یازدهم شیعیان، کسی او را ندید. امام زمان^(عج) پس از شهادت پدرش، در غیبت صغرا به سر برد و در این مدت به واسطه چهار نائب خاص با شیعیان ارتباط داشت. از سال ۳۲۹ق. ارتباط مردم با او از راه نایبان خاص نیز پایان یافت و دوره غیبت کبری آغاز شد. تاکنون نزدیک به ۱۱۱۷ سال از آغاز غیبت کبری می‌گذرد و با توجه به اینکه زمان مشخصی برای ظهور آن حضرت تعیین نشده است، نمی‌توان درباره طول این دوره اظهار نظر کرد. آنچه در این میان اهمیت خاصی دارد، وظایف پیروان در طول این دوره است. مراجعه به روایات موجود حاکی از آن است که مهم‌ترین وظیفه پیروان در این دوره، انتظار فرج خواهد بود.

اگرچه این انتظار به عنوان یکی از مهم‌ترین تکالیف شیعه در عصر غیبت به شمار می‌رود، اما در مورد چگونگی انجام این وظیفه بین علمای دینی اختلاف نظر وجود دارد. برخی از آنان عدم مداخله در اجتماع، انجام احکام مذهبی و غیره یا همان انتظار منفعل را توصیه کرده‌اند و

برخی دیگر قائل به تلاش و مجاهدت (انتظار پویا) در این دوران می‌باشند. انجمن حجتیه که در سال ۱۳۱۲ در ایران تأسیس شد، از جمله مؤسساتی است که مروج اندیشه انتظار منفعل در عصر غیبت است. این انجمن در فروردین ۱۳۲۱ رسماً موجودیت خود را اعلام کرد و عمده فعالیت آن صرف مقابله با بهائیت می‌شد (رضایی، ۱۳۸۷: ۹۸-۹۹). مبانی فکری انجمن حجتیه در تقابل با اندیشه انتظار پویا بود که در دوره معاصر از سوی امام خمینی مطرح شد. این اندیشه که بر پایه قرائت خاص امام از مهدویت شکل گرفت، به برپایی انقلاب اسلامی و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی منجر شد.

انجمن حجتیه تا اواسط سال ۱۳۵۷ از هرگونه دخالت در امور سیاسی احتراز می‌کرد و کماکان اعضای خود را به انجام تکالیف دینی و عدم حضور در رویدادهای سیاسی تشویق می‌کرد. طیب -از مسئولان انجمن- گفته است شخص حلبی می‌گفت رژیم شاه اسلحه دارد و در مقابل اسلحه نمی‌شود کاری کرد و باید تن به تسلیم داد (روزنامه صبح آزادگان، ۱۳۶۰/۱۱/۲۶: شماره ۵۹۱).

به هر ترتیب، با اوج‌گیری مبارزات مردم ایران به رهبری امام خمینی و پس از واقعه ۱۷ شهریور و بعد از آنکه شیخ محمود حلبی اطمینان پیدا کرد که دست چپی‌ها در کار نیست، به افراد انجمن توصیه کرد در تظاهرات شرکت کنند. البته برخی از اعضای انجمن به شدت با این رویکرد حلبی مخالفت کردند (خسروپناه، ۱۳۹۰: ۴۹۰).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انجمن حجتیه اعلام کرد که همراه با مردم در جهت اهداف انقلاب فعالیت خواهد کرد و بیان داشت «انجمن با آرمان تداوم نظام جمهوری اسلامی تا ظهور حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) خود را در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی به پیروی از رهنمودهای رهبری عالی‌قدر انقلاب موظف دانسته، هر خدمتی که از عهده‌اش برآید، مجدانه انجام خواهد داد»، اما پس از استقرار جمهوری اسلامی بر فضای اداری و اجتماعی کشور، ظاهراً در آغوش انقلاب برای جریان حجتیه جای امنی باقی نماند. از اسناد موجود و انتقادات برخی سیاستمداران وقت، این‌طور مشخص می‌شود که آنچه حجتیه در متمم اساس‌نامه خود، پس از انقلاب اسلامی گفت، نه تنها واقعیت نگرش انجمن را به انقلاب اسلامی نشان نمی‌دهد که ارتباطی میان وعده‌های همکاری آنها با انقلاب اسلامی و حقیقت فعالیت اعضا وجود نداشت.

انجمن ریشه‌های خود را فراموش نکرد، آرام آرام با گذر زمان به مبانی تئوریک خود هم

بازمی‌گشت و این بار در مقابل، حکومت پهلوی را نداشت و آزادانه‌تر خویش را تقویت می‌کرد، اما با وجود مبانی به‌ظاهر مشترک میان مهدویت حجتیه‌ای و انقلابی، اساس اختلافات اجازه وحدت حقیقی به این دو اندیشه متباین را نمی‌داد (علوی، ۱۴۰۰: ۴۱).

فعالیت انجمن پس از انقلاب نیز ادامه پیدا کرد تا آنکه به سبب اتخاذ برخی مواضع که برگرفته از مبانی فکری انجمن بود، امام خمینی به مخالفت با آن پرداخت. علاوه بر اینکه برخی از اعضای انجمن به جریان انقلاب نپیوستند و رویکرد دیگری را دنبال کردند. انجمن حجتیه در مرداد ۱۳۶۲ پس از اشاره به سخنان امام خمینی درباره عملکرد مغایر با اهداف نظام جمهوری اسلامی، تعطیلی فعالیت خود را اعلام کرد. در بیانیه‌ای که به همین مناسبت انتشار پیدا کرد، با اشاره به اظهارات امام خمینی آمده بود که انجمن تصور نمی‌کرد مخاطب سخنان امام باشد، اما بعد از تحقیق محرز شده است که مخاطب، انجمن حجتیه است و لذا از این تاریخ، تمامی جلسات و خدمات انجمن تعطیل شد و اعلام کردند که هیچ‌کس مجاز نیست تحت عنوان این انجمن، کوچک‌ترین فعالیتی کند (خسروپناه، ۱۳۹۰: ۴۹۲).

اگرچه با تعطیلی انجمن حجتیه در سال ۱۳۶۲، به نظر می‌رسید که نام این تشکیلات تا مدت‌ها از ادبیات سیاسی جامعه حذف شود، اما برای آگاهان به مسائل سیاسی مسلم بود که تلاش‌های سازمان‌یافته گروه مزبور، در جهت اهداف آشکار و پنهان آن ادامه خواهد داشت. این انجمن سرانجام پس از رکود چندساله، از سال ۱۳۷۶ بار دیگر فعال شد، تشکیلات خود را دنبال کرد و عناصر وابسته آن در تهران و شهرستان‌ها با قالب هیئت‌های مذهبی و جلسات تفسیر قرآن، مشغول فعالیت شدند و توانستند افرادی از قشر جوان را جذب کنند.

تعطیلی ظاهری فعالیت‌ها در سال ۱۳۶۲ و محدود شدن محافلی که آنها به صورت آشکار مباحث خود را پیگیری می‌کردند، باعث شد کسی به گسترش حیرت‌انگیز برخی از دیدگاه‌های آنها در جامعه توجه نکند و نیاز به گفت‌وگو درباره این مسائل را احساس نکند؛ درحالی‌که بخش مهمی از طرز تفکر انجمن حجتیه، با قدرت و البته شکل‌های تازه در جامعه امروز حاضر است (علوی، ۱۴۰۰: ۴۲).

با مروری بر آنچه آورده شد، می‌توان دریافت که انجمن حجتیه در حال حاضر به اشکال گوناگون درصدد ترویج مبانی فکری خود و مؤلفه‌های آن در سطح جامعه است. نظر به مغایرت اندیشه یادشده با رویکرد انقلاب اسلامی در مورد انتظار، لازم است ضمن بازشناسی مؤلفه‌های

اندیشه مذکور، به بررسی میزان گرایش افراد به‌ویژه نسل جوان به این اندیشه پرداخته شود. بر این پایه می‌توان پرسش‌های اصلی تحقیق را عبارت از آن دانست که:

- مبانی فکری انجمن حجتیه (اندیشه انتظار منفعلی) از چه مؤلفه‌هایی تشکیل شده است؟
- جوانان شهر تهران تا چه اندازه به مبانی فکری انجمن حجتیه گرایش دارند؟

پیشینه پژوهش

با مروری بر مطالعات و تحقیقات انجام‌شده درباره انجمن حجتیه، می‌توان آنها را برحسب موضوع به دو دسته زیر تقسیم کرد.

دسته نخست: مواردی را شامل می‌شود که صرفاً به زمینه پیدایش، نحوه تأسیس و مبانی فکری انجمن حجتیه پرداخته است. از این جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- سید ضیاء‌الدین علیان‌سب و سلمان علوی نیک^۱ در کتاب *جریان‌شناسی انجمن حجتیه عقیده* دارند که از دید انجمن، اعتقاد به حضرت حجت خلاصه شده است در محبت و ولایت امام عصر و به تبع آن صرفاً بُعد عبادی و نماز خواندن برای حضرت و به دیگر جنبه‌های اعتقاد به ولی عصر^(ع) اگر التفاتی بیابند، با دیدی سطحی و فرعی می‌نگرند و به هیچ‌وجه به وجوه دیگر موضوع مهدویت نمی‌پردازند. خلاصه تفکر انجمن این است که انقلاب امام قائم به دو چیز بستگی دارد: ۱. زمینه‌های منفی موجود در جامعه؛ مثل تبهکاری‌ها و ستمگری‌ها؛ ۲. ایمان و اعتقاد مردم به اسلام که باید این دو عامل را تقویت کرد و ضمن ترویج زمینه‌های منفی، اسلام را به توده‌ها شناساند و دست به یک رشته اصلاحات اعتقادی زد.
- ابوالفضل صدقی^۲ معتقد است برخی انجمن حجتیه را ساخته دست استعمار می‌دانند و برخی دیگر آن را برآیند توطئه استعمار در آفرینش بهائیت دانسته‌اند. هنگامی که مردم ایران درگیر مبارزه با ظلم شاه بودند، اعضای این انجمن و قششان را صرف راهنمایی بهائیان می‌کردند و خودشان را از جریان انقلاب دور نگه می‌داشتند.
- محمدمهدی رضایی^۳ در پایان‌نامه خود در پی پاسخ‌گویی به این سؤال بوده است که انجمن

۱ سید ضیاء‌الدین علیان‌سب و سلمان علوی نیک (۱۳۸۵)، *جریان‌شناسی انجمن حجتیه*: قم: زلال کوثر.

۲ ابوالفضل صدقی (۱۳۸۸)، «جریان‌شناسی انجمن حجتیه»، *فصلنامه تخصصی ۱۵ خرداد*، دوره سوم، س ۶، ش ۲۰، صص ۱۲۹-۱۶۸.

۳ محمدمهدی رضایی (۱۳۹۲)، «انجمن حجتیه و مهدویت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

حجتیه درباره مهدویت چه دیدگاهی را دنبال می‌کرد؟ وی معتقد است اکثر هواداران جدی انجمن، هم به دنبال تأمین بهترین موقعیت‌های دنیوی بودند و هم از دیگر سو با شرکت در محافل دعای ندبه و غیره و نیز تشکیل چنین جلساتی در منازل کاخ‌مانند خود، سعی در ارضای روحیه معنوی و نیز اکتساب ثواب اخروی داشتند. مبارزات و جهاد آنان نیز از نوعی بود که کمترین مرارت‌ها و خسارت‌های جانی و مالی را برای آنان در پی داشته باشد. البته قرار دادن همه اعضای انجمن در این طیف، نوعی ظلم آشکار است.

۱ - افسانه محمدی^۱ در بیان تداوم و تغییر در مواضع و رویکردهای انجمن حجتیه، معتقد است که انجمن در گذار تحولات سیاسی و اجتماعی، اصول تفکر و اندیشه‌های خود را حفظ کرده و متناسب با موقعیت و براساس مصلحت، در برخی از خط‌مشی‌های خود تعدیل و تغییر ایجاد کرده است.

دسته دوم: این دسته دربرگیرنده تحقیقاتی است که با رویکرد تطبیقی، به مقایسه مبانی فکری انجمن و دیدگاه امام خمینی مبادرت کرده‌اند. از جمله این تحقیقات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۲ - حسن شمس‌آبادی^۲ معتقد است تشکیل فرقه بهائیت و نفوذ و گسترش آن در جامعه ایران، حساسیت و تقابل روحانیت شیعه را به دنبال داشت. شیخ محمود حلبی در تقابل با این فرقه، تشکیلاتی را تأسیس کرد و نام انجمن حجتیه را بر آن نهاد. برداشت انجمن از اصل تقیه، اهمیت بیش از اندازه به مبارزه با بهائیت و غفلت از علل گسترش این فرقه و همچنین برداشتی که انجمن از مقوله مهدویت، انتظار و تشکیل حکومت اسلامی قبل از ظهور داشت، مجالی به آن نداد تا با نهضت امام و انقلاب همراهی کند.

۳ - عباس کشاورز شکری و امین خدابخشی^۳ عقیده دارند که انسان منتظر از دیدگاه انجمن حجتیه، انسانی است که نه تنها تشکیل حکومت در دوران غیبت را محکوم می‌کند، بلکه انسان منتظر باید برای پیشبرد اهداف خود در سایه تقیه و صبر، با حکومت جور نیز موافقت زبانی

۱ افسانه محمدی (۱۳۹۶)، «تداوم و تغییر در مواضع و رویکردهای انجمن حجتیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

۲ حسن شمس‌آبادی (۱۳۸۹)، «نگاهی اجمالی به زمینه‌های تشکیل انجمن حجتیه و رویکرد آن به انقلاب اسلامی»، فصلنامه ۱۵ خرداد، س ۷، ش ۲۳، صص ۱۵۳-۱۸۶.

۳ عباس کشاورز شکری و امین خدابخشی (۱۳۹۴)، «انسان منتظر از دیدگاه انجمن حجتیه و امام خمینی^(ع)»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ش ۴، صص ۹۱-۱۲۰.

کند و به اموری مانند گریه زیاد از دوری حضرت و همچنین صدقه دادن برای سلامتی حضرت پردازد؛ حال آنکه امام خمینی مهم‌ترین و بدیهی‌ترین تکلیف انسان منتظر را تشکیل حکومت عدل و همچنین قیام در برابر حکام جور می‌دانست.

- سمیه آقاخانی^۱ در پایان‌نامه خود در پی پاسخ به این پرسش اصلی بوده است که مواضع انجمن حجتیه نسبت به نهضت اسلامی چه بود و امام خمینی^(ع) نسبت به آنها چه موضعی را اتخاذ کرد؟ براساس یافته‌های این پژوهش، دلیل اصلی شکل‌گیری این انجمن، افزایش قدرت و نفوذ بهائیان در جامعه بود. این انجمن توانست با جذب جوانان و آموزش‌های مذهبی به آنها، نقش مهمی در مسائل فرهنگی و مذهبی دهه ۳۰ و ۴۰ ایفا کند. حل‌ی حتی سعی کرد با حکومت وقت به توافق برسد. با این حال، هرچند انجمن از ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ تغییر مواضع داد و همراهی خود را با جریان انقلاب اعلام کرد، اما دیگر نتوانست به دوران طلایی قبل بازگردد. پس از پیروزی انقلاب، با توجه به مطرح شدن موضوعاتی چون ولایت فقیه و حکومت اسلامی و مسئله جدایی دین از سیاست و غیره، موضع‌گیری‌های انجمن که در تقابل با مواضع امام خمینی^(ع) و اصحاب انقلاب اسلامی قرار داشت، موجب شد تا امام سخنرانی شدیدالحنی علیه انجمن ارائه دهد که تعطیلی انجمن را در پی داشت؛ البته این پایان کار انجمن نبود و آنها به فعالیت‌های خود به صورت پنهانی ادامه دادند.

- حجت حیدری چراتی^۲ در تحلیل انجمن حجتیه و مقایسه با گفتمان امام خمینی، نتیجه گرفته است که گفتمان غرب‌گرایانه پهلوی در ظرف نظریه لاکلا و موفه، نتوانست دال‌های معنایی خود را بازسازی کند و توسط دال‌های انقلابی امام خمینی به انسداد رسید، ولی گفتمان انجمن حجتیه نتوانست در بحبوحه تغییر گفتمان‌ها، هم در دوره پهلوی و هم در نظام جمهوری اسلامی خود را بازسازی کند و باقی بماند.

- بهرام اخوان کاظمی و منا حمیدی‌نسب^۳ در تحلیل گفتمان دو مفهوم متعارض از «انتظار» از

۱ سمیه آقاخانی (۱۳۹۷)، «تحلیل مواضع انجمن حجتیه در قبال انقلاب اسلامی و واکنش امام خمینی^(ع)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

۲ حجت حیدری چراتی (۱۳۹۹)، «بررسی و تحلیل انجمن حجتیه در مقایسه با گفتمان امام خمینی بر اساس نظریه لاکلا و موفه»، *انتظار موعود*، دوره ۲۰، ش ۷۱، صفحه ۱۲۵-۱۴۶.

۳ بهرام اخوان کاظمی و منا حمیدی‌نسب (۱۴۰۱)، «تحلیل گفتمانی دو مفهوم متعارض از «انتظار» از دیدگاه امام خمینی و انجمن حجتیه»، *فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام*، ش ۳۳، صص ۷-۳۱.

دیدگاه امام خمینی و انجمن حجتیه، نوشته‌اند که برداشت بویا و انقلابی عصر غیبت که انعکاس آن را می‌توان در نظریات امام خمینی ملاحظه کرد، فرایندی از سازوکارهای اساسی برای پیشبرد اهداف آرمانی و مفصل‌بندی عناصر هویتی مطلوب از انسان و کنشگری آن در جامعه اسلامی و مسئولیت‌پذیری صحیح، بسترهای ظهور منجی عالم را فراهم کرد؛ موضوعی که با کنشگری منفعلانه و نگرش‌های تقلیل‌گرایانه رویکردهای ایستایی به معنای انتظار در عصر غیبت به صورت شاخص در اندیشه فکری انجمن حجتیه ناسازگاری کامل دارد.

با مروری بر آنچه بیان شد، می‌توان دریافت که هرچند تاکنون مطالعات مختلفی درباره اندیشه انتظار منفعل به نمایندگی انجمن حجتیه و تعارض آن با سایر جریان‌های فکری در این زمینه صورت گرفته است، ولی تاکنون کمتر به شناسایی مؤلفه‌های اصلی این اندیشه و گرایش افراد جامعه، به‌ویژه نسل جوان بدان پرداخته شده است. در پژوهش حاضر تلاش شده است ضمن مطالعه در اسناد و مدارک موجود، مؤلفه‌های اصلی این اندیشه شناسایی گردد و با استفاده از روش پیمایش، به بررسی گرایش افراد بدان پرداخته شود.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر رویکرد در ردیف تحقیقات توصیفی و از نظر هدف در زمره مطالعات بنیادین به شمار می‌رود. در بخش اول این تحقیق، به شناسایی مؤلفه‌های مبانی فکری انجمن حجتیه (اندیشه انتظار منفعل) و در بخش دوم به بررسی میزان گرایش جوانان به اندیشه مذکور پرداخته شده است. بر همین اساس، انجام هر بخش با استفاده از روش جداگانه صورت گرفته است.

در بخش اول، برای شناسایی مؤلفه‌های مبانی فکری انجمن حجتیه یا همان اندیشه انتظار منفعل، از روش کیفی استفاده گردید. داده‌های مورد نیاز در این بخش با استفاده از شیوه اسنادی و ابزار فیش‌برداری جمع‌آوری شده است. این اسناد و مدارک شامل مجموعه‌ای از کتاب‌ها و مقاله‌های علمی است که توسط پژوهشگران این عرصه تألیف شده و داده‌های این بخش با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مورد پردازش قرار گرفته است.

در بخش دوم، برای بررسی میزان گرایش افراد به مبانی فکری انجمن مذکور، روش کمی مورد استفاده قرار گرفت. جامعه مورد مطالعه در این بخش عبارت از جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله شهر تهران است که براساس آمار دریافتی در سال ۱۴۰۲، تعداد آنان ۳،۵۹۲،۵۳۵ نفر برآورد

شده است. نظر به گستردگی جامعه آماری، با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شده‌اند که در مرحله گردآوری، با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. گردآوری داده‌ها در این بخش با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه انجام شده است. در این پرسش‌نامه، با اقتباس از طیف لیکرت، ۳۵ گویه برای سنجش میزان گرایش به آموزه‌های انجمن حجتیه در نظر گرفته شد.

برای تعیین روایی ابزار گردآوری، از روش اعتبار صوری و برای تعیین پایایی نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده و با توجه به آنکه ضریب یادشده (۰/۹۴۵) از ۰/۷ بیشتر بود، پایایی آن مورد تأیید قرار گرفت. گفتنی است که تجزیه و تحلیل داده‌ها در این بخش نیز با استفاده از روش‌های آماری صورت گرفته است.

بخش اول: مؤلفه‌های انجمن حجتیه (اندیشه انتظار منفعل)

انتظار در اصطلاح مفهومی ارزشی- فرهنگی است که از آن رفتار فرهنگی معینی سرچشمه می‌گیرد و آن مفهوم در ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه زندگی و چگونگی نگرش به آینده، دخالت مؤثر و فعالی دارد و در ترسیم خط سیاسی حال و آینده تأثیرگذار است (آصفی، ۱۳۸۴: ۲۱).

«انتظار» یکی از مهم‌ترین و باارزش‌ترین وظایف و تکالیف شیعیان در عصر غیبت است. به‌رغم این نکته، درباره چگونگی گذران دوره انتظار و نوع رفتار منتظران در عصر غیبت، اتفاق نظر وجود ندارد. در این میان، برخی با نفی هرگونه رکود فکری و ایستایی، بر بویایی معنای انتظار تأکید دارند و انسان منتظر را موظف به حرکت و عمل برای اصلاح جامعه خویش تا ظهور مهدی و پایان انتظار نهایی می‌دانند (اخوان کازمی و حمیدی‌نسب، ۱۴۰۱: ۱۳)؛ درحالی‌که برخی دیگر معتقدند در مسئله انتظار هیچ مسئولیتی ندارند و فقط باید تماشاگر باشند. باید دنیا را به حال خودش گذاشت و جز این برای رهایی از وضع موجود راهی وجود ندارد (قوی‌هیكل بوانلو، ۱۳۹۷: ۷۹). این اندیشه که از آن به انتظار منفعل یا ایستا یاد می‌شود، در چند دهه اخیر از سوی انجمن حجتیه ترویج و تبلیغ می‌شود. برای تبیین هرچه بهتر اندیشه یادشده، لازم است ابتدا مؤلفه‌های آن شناسایی و سپس احصا شود. بدین منظور به تحلیل آثار برخی مبلغان و یا منتقدان اندیشه انتظار منفعل پرداخته شده که نتایج آن مؤید وجود هفت مؤلفه در ذیل این

مفهوم است. در ادامه، سعی شده است در ذیل هر یک از مؤلفه‌های مذکور، به برخی آرای مطرح‌شده در این باره پرداخته شود.

۱. جدایی دین از سیاست

از مهم‌ترین مؤلفه‌های مبانی فکری انجمن حجتیه، باور به جدایی دین از سیاست است. در تبصره مادهٔ دوم اساس‌نامهٔ انجمن آمده است: «انجمن به هیچ‌وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت و نیز مسئولیت هر نوع دخالتی را که در زمینه‌های سیاسی از طرف افراد منتسب به انجمن صورت گیرد، برعهده نخواهد داشت» (باقی، ۱۳۶۳: ۷۳). پرورش از اعضای سابق انجمن، در این باره گفته است: «از برادران و خواهران انجمن نوشته می‌گرفتند که در امور سیاسی دخالت نکنند. انجمن شدیداً از درگیر شدن با مسائل سیاسی اجتناب می‌کرد» (باقی، همان، ۱۷۳). حجتیان که ماهیت دین را از سیاست جدا معرفی می‌کردند، در توجیه این تفکر هویت دین را هویتی فرهنگی می‌خواندند که متکفل امور عقیدتی است و در اموری مثل سیاست مسئولیتی ندارد (همو، همان، ۱۷۶). مهم‌ترین دیدگاهی که در واقع نظریهٔ بسیاری از سران حجتیه شمرده می‌شود، این است که رهبری از مرجعیت جداست که این نیز به سبب تفسیر خاص آنان از توحید ربوبی است که جدایی دین از سیاست را در پی دارد. مرجعیت فقط در صدور احکام عبادی خواهد بود و با این استدلال، مقام رهبری از مرجعیت جداست؛ پس دین از سیاست جدا خواهد بود (اخگری، ۱۳۶۷: ۶۹). عمده‌ترین محور تفکر سیاسی انجمن، این بود که در زمان غیبت امام عصر^(عج) ورود دین به عرصهٔ سیاست اشتباه است؛ این تفکر هم در اساس‌نامه آنها آمده و هم در جلساتشان دربارهٔ آن تبلیغ می‌شد و هم شرط عضویت در انجمن بود و مخالفت با آن موجب اخراج از انجمن می‌شد (علیانسب و علوی نیک، ۱۳۸۵: ۷۵-۷۸).

عمده هدف این انجمن، دور نگه داشتن مردم از فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی و پیشبرد نظریهٔ استعماری جدایی دین از سیاست بود (رضایی، ۱۳۸۷: ۹۸). به زعم انجمن حجتیه، اسلام تنها دین عبادت است و دین از سیاست جداست و عمده‌ترین محور تفکر سیاسی انجمن این است که در زمان غیبت امام عصر^(عج)، ورود دین به عرصهٔ سیاست اشتباه است (کمالی، ۱۳۹۱: ۲۶۱). پیش از پایان این بحث، ذکر این نکته لازم است که انجمن حجتیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۸ در اساس‌نامه خود تغییراتی داد و به آن متممی افزود که حاکی از همراهی با انقلاب

اسلامی و همکاری با ارکان جمهوری اسلامی بود. به‌رغم این نکته، تأکید و پافشاری مکرر مسئولان انجمن در نشست‌های خود بر حفظ اصول و مبانی اولیه، گویای آن است که این انجمن در سال‌های بعد مواضع خود را به‌طور قطع در چارچوب مواضع پیشین تفسیر و تعریف کرده است (باقی، ۱۳۶۳: ۷۳-۷۵).

۲. مخالفت با برپایی حکومت اسلامی در دوران غیبت

یکی از مبانی فکری انجمن حجتیه اعتقاد نداشتن به تشکیل حکومت در زمان غیبت امام معصوم است. حلّی رهبر انجمن شرط ولایت و رهبری و پیشوایی (امامت) را عصمت - و نه عدالت - می‌دانست و نتیجه گرفت که فقط باید معصوم حاکم باشد و در این صورت باید از او پیروی و اطاعت کرد (باقی، همان، ۱۱۷). پرورش نیز در زمان عضویت در انجمن، در یکی از سخنرانی‌هایش گفته بود هر قیامی قبل از امام زمان به شکست می‌انجامد (همو، همان، ۶۱). انجمنی‌ها معتقدند تشکیل حکومت دینی از وظایف امام معصوم است، بنابراین با استناد به احادیثی که بر جایگاه امام برای از بین بردن فساد و ایجاد حکومت جهانی دلالت دارند، معتقدند چنین وظیفه‌ای به نائبان عام او منتقل نشده است. از این رو در زمان غیبت نمی‌توان حکومت تشکیل داد و از وظایف شیعه قیام به این امر نیست (همان، ۳۱۶-۳۱۷). انجمنی‌ها همچنین اقدام به تشکیل حکومت اسلامی در دوران غیبت را به معنای قائل شدن به اتمام رسالت برای امام زمان و برافراشتن پرچم ضلالت و دجالی می‌دانستند؛ زیرا تنها مصداق حاکم اسلامی «ولی معصوم» است و یگانه برپادارنده حکومت اسلامی و داد امام عصر است و معتقد بودند که تشکیل حکومت اسلامی در غیاب حضرت حجت به شکست می‌انجامد (همان، ۱۰۴، ۱۲۱).

انجمن با استناد به برخی روایات، معتقد بود که هرگونه قیام و تشکیل حکومت پیش از ظهور امام زمان مردود و محکوم به شکست است (علیانسب و علوی نیک، ۱۳۸۵: ۷۸). انجمن حجتیه بر آن است که باید منتظر ماند تا حضرت خودشان تشریف بیاورند و امور را اصلاح کنند و حکومت حقه اسلامی تشکیل بدهند؛ اقدام به تشکیل هر حکومت اسلامی در دوران غیبت، در واقع برافراشتن پرچم ضلالت است (علیانسب و علوی نیک، ۱۳۸۵: ۸۷-۸۶). انجمن معتقد است تحقق هر حکومتی در زمان غیبت، باطل و برخلاف اسلام است (عیسی‌نیا، ۱۳۸۷: ۸). اگر «نفی اقامه حکومت دینی در سال‌های پیش از ظهور» را مهم‌ترین شاخصه تفکر حجتیه‌ای

بدانیم، آنگاه می‌توان بر این نکته تأکید کرد که این تفکر با تقریرهای مختلف در جامعه تجلی یافته است. این نگرش کاملاً در مقابل گفتمان انقلاب اسلامی، با استفاده از احادیث مختلف، قعود را بر قیام برای اقامه احکام و حدود الهی ترجیح می‌دهد و خود را از مشارکت در شکل‌دهی به حکومتی تاریخ‌ساز بر حذر می‌دارد. از نظر آنان، تاریخ بدون اینکه دستخوش اراده انسانی قرار گیرد، سرنوشتی محتوم دارد. این جریان بر این باور است که جهان بیرون به دلیل اینکه در ذیل ولایت معصوم قرار ندارد، جهانی مملو از خطا و معصیت است و تا حضرت حجت بازنگردد، اصلاح نخواهد شد (فراشی، ۱۳۹۵: ۱۹۶). انجمنی‌ها برای توجیه و همچنین عدم تشکیل حکومت در زمان غیبت امام زمان (عج)، به روایت‌هایی استناد می‌کنند که این روایات هر قیامی قبل از انقلاب جهانی حضرت مهدی (ع) را باطل و محکوم به شکست دانسته و رهبر آن را طاغوت و منحرف معرفی کرده و از پیروان ائمه خواسته است که با آن قیام‌ها همراهی نکنند و در خانه‌های خود بنشینند تا نشانه‌های ظهور، مانند خروج سفیانی نمایان شود (شیرودی و نوری، ۱۳۹۵: ۴۷).

۳. محدود کردن مسئولیت علمای دینی به احکام مذهبی

یکی دیگر از مؤلفه‌های مبانی فکری انجمن حجتیه، محدود کردن مسئولیت علمای دینی به احکام مذهبی است. باقی در کتابش آورده است که انجمن حجتیه قائل است به ولایت عامه مراجع در مقابل ولایت فقیه منظور شده در قانون اساسی و رأی اکثریت علما و آنچه امام در این باره تعیین کرده‌اند، به عبارتی با تعمیم ولایت بر آن است که همه مجتهدان ولایت دارند و در بین آنها یک فرد به عنوان فقیه اعلم شناخته می‌شود، ولی آن فقیه اعلم ضمن اینکه همه ولایت دارند، در بین علمای دیگر فقیه و اعلم است؛ نه اینکه جایگاه او در رأس همه قوای حکومتی باشد و از آن بالا اعمال ولایت کند و اطاعت او نیز واجب باشد و در قانون اساسی هم با همین شکل و محتوای به گونه یک اصل واقع شود (باقی، ۱۳۶۳: ۱۰۷-۱۰۸). فقیه از دیدگاه انجمن، همان مرجعیت است؛ البته در حد صدور احکام عبادی و وظیفه آنان در قبال حکومت‌ها نظارت است نه ولایت (باقی، همان، ۱۰۸). انجمن در جزوه «بسوی نور» به‌طور مفصل درباره وظایف نائبان فقیه بحث کرده و بر عدم دخالت او حتی در زمان اضطرار در همه مسائل اعم از عبادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی تأکید کرده و کمترین اختیاری را برای مسئله حکومت و اختیارات ولی فقیه

قائل نشده است (اخگری، ۱۳۶۷: ۷۳).

با مراجعه به جزوه مذکور و تحلیل آن روشن می‌شود که منظور از ولایت فقیه تأکید شده توسط انجمن، ولایت عامه مراجع در برخی امور ابتدایی است. با این تفکر درمی‌یابیم که ولایت فقیه مورد تأکید انجمن، بیشتر از آنکه ولی و حاکم جامعه اسلامی باشد، ناظر بر اجرای برخی احکام دینی مانند عبادت است (شیرودی و نوری، ۱۳۹۵: ۶۲-۶۳)؛ یعنی باید به نظارت حکومت بپردازد و پس از مشاهده خطا، جلوی آن را بگیرد (رحیمی، [بی‌تا]: ۳۱).

۴. عدم مبارزه با ستمگران و مفسدان در عصر غیبت مهدی

عدم مبارزه با ستمگران و مفسدان در عصر غیبت مهدی، از دیگر مؤلفه‌های انجمن حجتیه است. اعضای این انجمن معتقدند شیعه باید از هر تلاش اصلاحی و هر کوشش انقلابی دست بشوید و در برابر زور و ستم، خاموشی و سکوت پیش گیرد و منتظر باشد و اگر می‌خواهد حکومت جهانی حضرت مهدی زودتر تحقق یابد، باید به گسترش جور و فساد کمک کند. انتظار رزمی - تدافعی، نبردی فرسایشی و پیکاری پارتیزانی است که به عنوان مقدمه جنگ بزرگ باید تا قیام قائم تداوم یابد. رزم‌آوران این نبرد طولانی، منتظران حقیقی‌اند که پیوسته بیدار و هشیار در درون کمینگاه صبر، پشت سنگر فقیه و زیر پوشش کتمان و سکوت به پیکار مقدس خویش ادامه می‌دهند بدون حتی یک روز وقفه؛ زیرا شاید همان روز، روز ظهور باشد (تاجری، ۱۳۵۸: ۱۲۴). ظلم و جور یعنی تعدی و تجاوز و برای صدق پر شدن از ظلم و جور، لازمه‌اش فساد ما نیست، بلکه کافی است دو ابرقدرت با هم بسازند و دنیا را به ظلم و جور بکشانند و در عین حال یک ملتی صالح وجود داشته باشد (افتخارزاده، ۱۳۸۲: ۱۸۰). انجمنی‌ها در ظاهر با فساد مخالف‌اند، ولی در عمق ضمیرشان به اشاعه ظلم و فساد برای تسریع ظهور مهدی به عنوان تقویت زمینه‌های منفی که لازمه قیام حضرت است، رضایت می‌دهند (باقی، ۱۳۶۳: ۱۳۹). انجمن حجتیه با اصرار بر اینکه هر کس قبل از قیام امام اقدامی برای اصلاح کار کند، تأخیر در ظهور او ایجاد کرده است (اخگری، ۱۳۶۷: ۳۴) و نیز انجمن برای جلوگیری از سؤالات منطقی اعضایش، این چنین استدلال می‌کرد که «باید همه امکانات را برای جنگ بزرگ نگه داشت، نه در زمان غیبت هدر داد» (اخگری، همان، ۳۸).

۵. محدود کردن منتظران به انتظار منفل

محدود کردن منتظران به انتظار منفل در عقیده مهدویت، از دیگر مؤلفه‌های اعتقادی انجمن حجتیه است. انجمنی‌ها اعتقاد دارند که در روزگار غیبت، ستیز و نبرد انسان منتظر، کمتر آشکار و رودررو است؛ زیرا باید نیروها و سلاح‌ها و امکانات و تجهیزات را برای آن جنگ بزرگ نگه داشت. پس در کمین دشمن می‌نشیند و رزم تدافعی و پارتیزانی می‌کند تا با کمترین میزان زیان ببیند و بیشترین آسیب و گزند را به خصم وارد آورد. این پیکار فرسایشی است؛ پس نیازمند استتار و اختفاست و از آن بالاتر به بردباری و شکیبایی نیاز دارد (تاجری، ۱۳۵۸: ۱۱۳).

فراهم‌سازی به تعمیر انجمن حجتیه یعنی نیرو و امکانات خود را بالقوه نگه دارد و آماده باشد تا فرمان فرمانده کل قوای امام عصر صادر شود؛ نه اینکه با این امکانات و تجهیزات در عصر غیبت با ستمگران و مفسدان ستیز کند (باقی، ۱۳۶۳: ۱۳۱). از دید انجمن، اعتقاد به حضرت حجت در محبت و ولایت «دوستی» امام عصر خلاصه شده و به تبع آن صرفاً بُعد عبادی و نماز خواندن برای حضرت کفایت می‌کند و به دیگر جنبه‌ها و فرازهای اعتقادی حضرت ولی عصر اگر التفاتی بیابد، با دیدی سطحی و فرعی می‌نگرند و به هیچ‌وجه به وجوه و ابعاد دیگر موضوع مهدویت نمی‌پردازند (علیانسب و علوی نیک، ۱۳۸۵: ۷۳). از دیدگاه انجمن حجتیه، انسان منتظر انسانی محب است؛ انسانی که در فراق و دوری حضرت صاحب‌گریه و زاری می‌کند و در به در دنبال نشانه‌ای از حضرت می‌گردد (کشاورز شکری و خدابخشی، ۱۳۹۴: ۱۰۲). انجمن حجتیه بر این باور است که صرفاً باید مهیا باشیم، نیرو پس‌انداز کنیم و حتی تظاهر به مخالفت با دشمن هم نکنیم و همیشه تا ظهور و قیام در سنگر تقیه و استتار و سکوت و عدم تظاهر به مخالفت با دشمن و در کمینگاه صبر به سر ببریم. این منظور در سایه تقیه به دست می‌آید (باقی، ۱۳۶۳: ۱۳۸). در سایت انجمن آمده است از بدیهی‌ترین مؤلفه‌هایی که از فعالیت‌های انجمن استخراج می‌شود، بحث دینداری خنثی است؛ بدین معنی که دینداری هیچ خطری برای دیندار ندارد، دشمن‌ساز نیست، بلکه با همه می‌سازد و به عبارت دیگر افرادی ادعای دفاع از دین و دینداری دارند، اما به هنگام رنج و زحمت و مبارزه با انواع و اقسام بهانه‌ها از میدان فرار می‌کنند. در این دینداری نه کسی کشته می‌شود، نه زندان می‌رود، نه اسیر و نه شکنجه و... (سایت حجتیه، ۱۳۸۶). انجمن به نقل از پیشوایان، علائم ظهور امام را این می‌دانست که توسط امام زمان (عج) انقلاب جهانی انجام خواهد گرفت و ظلم و ستم گیتی را فرا می‌گیرد و کثری و نادانی سایه شوم

خود را در همه جا می‌گستراند (اخگری، ۱۳۶۷: ۳۴-۳۵). انجمن در تمامی جزوات خود نه تنها از مبارزه با ستمکاران و تلاش و جدیت برای استقرار حکومت اسلامی، به خصوص قبل از انقلاب سخنی به میان نیاورده، بلکه به عافیت‌جویی و راحت‌طلبی در قالب صبر، غمگین بودن در مفارقت حضرت و گریستن از دوری او، دعا برای تعجیل فرج بدون هیچ‌گونه انجام عملی برای آماده‌سازی شرایط ظهورش تأکید کرده است (اخگری، ۱۳۶۷: ۳۵). دکترین تعطیلی حکومت یا اسقاط تکلیف، ایده‌ای است مبتنی بر اینکه باید عالم از معصیت لبریز شود تا حضرت حجت ظهور کند و نیز باید نهی از منکر و امر به معروف نکرد تا گناه افزایش یابد؛ زیرا با افزایش گناه فرج نزدیک می‌شود (عیسی‌نیا، ۱۳۸۷: ۷-۸).

۶. مخالفت وحدت با اهل تسنن

از جمله مؤلفه‌های اعتقادی انجمن حجتیه، مخالفت وحدت با اهل تسنن است. یکی از نقاط اشتراک فرقه‌های مذهبی تندرو، دامن زدن بر آتش اختلاف و تفرقه‌افکنی مقصدانه میان مذاهب است؛ چنان‌که فرقه‌هایی چون انجمن حجتیه به گسترش شکاف‌ها و رفتارهای تفرقه‌آمیز مشغول‌اند. این گروه با مخالفت و رد آنچه وحدت اسلامی خوانده می‌شود، موجب تشتت و جدایی بخش‌های مختلف اجتماع از هم می‌شوند. امروزه یکی از وجوهی که انجمنی‌ها را از عامه مردم متمایز کرده و به نوعی یکی از شاخصه‌های شناختن این طیف، همین مخالفت با وحدت شیعه و سنی است. افراد وابسته به این تشکیلات و دارای تفکرات به اصطلاح انجمنی، درصددند تا با طرح مسائل اختلاف‌برانگیز میان شیعه و سنی، وحدتی را که از مسائل مورد تأکید بنیان‌گذار انقلاب اسلامی است، از بین ببرند. یکی از تحرکات انجمن حجتیه دامن زدن به اختلاف بین شیعه و سنی بود و این بار انجمن به جای بهائیت و مارکسیسم، مذهب سنی را هدف قرار داد (صدقی، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

یکی از راهبردهای انجمن حجتیه در سالیان اخیر، فعالیت و تبلیغ افراطی علیه اهل سنت است که در مراسم و مناسبت‌هایی چون شهادت حضرت محسن، عید الزهراء، هفته وحدت، شهادت حضرت زهرا، میلاد امام زمان (عج) و عید غدیر ظهور می‌کند. روشن است برپایی مراسم بزرگداشت پیشوایان دینی از شعائر بزرگ الهی و فعالیت مطلوب است، اما آنچه بد است، وحدت‌ستیزی در قالب فعالیت‌های مذهبی است. با کمال تأسف برخی از انجمنی‌ها در استان‌های

سنی نشین و به‌ویژه در سیستان و بلوچستان و مسجد مکی زاهدان، به پخش جزواتی تحریک‌کننده به نام دفاع از تشیع مبادرت کرده‌اند که رویکرد وحدت‌ستیزانه آنها را به خوبی نشان می‌دهد (رجبی، ۱۳۹۴: ۱۴۲). این تفکر (انجمن حجتیه) طوری رفتار می‌کند که گویا تمام حق و باطل در همان صدر اسلام بوده و تنها حق ضایع شده حق حکومت حضرت علی^(ع) و ائمه اطهار است. حق و باطل را همان شیعه و سنی می‌دانند و ظالمان و مستکبران کنونی را به عنوان دشمن نمی‌شناسند (دیانت عافیت، ۱۳۹۳: ۲۸).

۷. بدعت شمردن فلسفه و عرفان

از جمله جریان‌های فکری که به مخالفت با فلسفه و عرفان پرداخته‌اند، انجمن حجتیه است. حلّی در کتاب دروس معارف الهیه نوشته است فلسفه چیز مهمی نیست، بلکه اضر مطالب است به حقایق وجدانی. فلسفه دشمن بزرگ معارف اسلامی است (موسوی، ۱۳۸۲: ۲۳). آقای حلّی و قشر بزرگ ضد فلسفه (و همچنین مخالف عرفان و حکمت و عرفا و حکما) معتقدند که فلسفه بدعت است و از یونان قدیم وارد اسلام شده است؛ به همین دلیل فلسفه را یونان‌زدگی می‌دانند و حتی برای اینکه علوم و معارف الهی را نیز ضد آن معرفی کنند، گاهی اظهار می‌دارند که اساساً جوهر ادیان الهی مبارزه با یونانی‌گری و یونان‌زدگی است و فلسفه و ترجمه فلسفه یونان به زبان عربی را برای نخستین بار از طرح‌های استعمار می‌پندارند (باقی، ۱۳۶۳: ۱۶۱). انجمن در فقه تابع اهل حدیث است؛ زیرا حلّی گفته است «گوش به حرف اینها ندهید. نه حکمت، نه فلسفه، نه عرفان و تصوف؛ تابع فقها و محدثان باشید» (اخگری به نقل از حلّی، ۱۳۶۷: ۱۰۳). باغی اصفهانی در کتابش از قول حلّی آورده است که در غیبت کبری فقها و مراجع تقلید نواب عام حضرت می‌باشند. ائمه شما را به شیخ طوسی و علامه حلّی و شهید دین سپرده‌اند؛ هرگز شما را به حکما و فلاسفه (ملاصدرا، میرداماد، میرفندرسکی، ابن‌رشد اندلسی و ابن‌سینا) نسپرده‌اند (باغی اصفهانی به نقل از حلّی، ۱۳۷۸: ۲۰۰).

انجمن حجتیه نظریه فلاسفه و حکما درباره جهان هستی را باطل می‌داند؛ زیرا به کمک روش عقلی نمی‌توان به مراتب حقیقت دست یافت و به کمک روش عقلی، آفرینش توجیه‌پذیر نیست. اگر معنا و ادله عقلی با مفاد ادله نقلی یکی باشد، در این صورت مفاد آیات را باید پذیرفت و ادله عقلی را باید کنار گذاشت. عالم جسمانی از نظر انجمن به نوعی نشان‌دهنده تناقض و

اختلاف میان نظرات فلسفی و نظریه شریعت است. بر همین اساس چون با نظریات عقلی مخالفاند، می‌کوشند آرای فلسفی را مخالف با نظریات اسلام اصیل معرفی کنند (شیرودی و نوری، ۱۳۹۵: ۳۵). آنچه باید مد نظر قرار گیرد، این است که شاکله فکری انجمن حجتیه در مباحث عقلی و نقلی، به نوعی برگرفته از مکتب تفکیک است (شیرودی و نوری، همان، ۱۵). انجمن حجتیه عقل را موجود خارجی می‌داند که به خودی خود اعتباری در کسب معارف الهی ندارد و در کنار روح، سبب ادراک انسان می‌شود (شیرودی و نوری، همان، ۲۲). با تأمل در دیدگاه معرفت‌شناسی شیخ محمود حلبی به منزله مغز متفکر و رئیس انجمن، روشن می‌شود که وی هر مسئله و موضوعی را که با هدف انزوای فلسفه و یافته‌های عقلانی پیریزی شود، مطلوب می‌خواند. بر این اساس، حجتیان دلایلی برای اثبات این تفکر عرضه می‌کردند و در مباحثات علمی خود به آن تمسک می‌جستند. حلبی منشأ فلسفه را در تعارض با احادیث عنوان می‌کرد (فیض افرا و ارجینی، ۱۳۹۷: ۱۰۶).

بخش دوم: گرایش به مبانی فکری انجمن حجتیه در بین جوانان شهر تهران

در این بخش ضمن توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و گرایش جوانان شهر تهران به مبانی فکری این انجمن، به آزمون روابط مفروض بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با گرایش به اندیشه مذکور پرداخته شده است.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

جامعه نمونه در این تحقیق شامل ۳۸۴ تن از جوانان شهر تهران است. ۴۵/۳ درصد (۱۷۴ نفر) از پاسخ‌گویان زن و ۵۴/۷ درصد (۲۱۰ نفر) مرد می‌باشند. از نظر گروه سنی، ۱۶/۴ درصد (۶۳ نفر) از پاسخ‌گویان ۱۸ تا ۲۰ ساله، ۱۵/۶ درصد (۶۰ نفر) از آنها ۲۱ تا ۲۳ ساله، ۸/۳ درصد (۳۲ نفر) ۲۴ تا ۲۶ ساله، ۸/۹ درصد (۳۴ نفر) ۲۷ تا ۲۹ ساله، ۱۱/۲ درصد (۴۳ نفر) ۳۰ تا ۳۲ ساله و ۳۹/۶ درصد (۱۵۲ نفر) ۳۳ تا ۳۵ ساله‌اند. از نظر میزان تحصیلات نیز ۱۳ درصد (۵۰ نفر) از پاسخ‌گویان دارای مدرک دیپلم و زیر دیپلم، ۳/۴ درصد (۱۳ نفر) فوق دیپلم، ۴۶/۶ درصد (۱۷۹ نفر) لیسانس، ۲۳/۴ درصد (۹۰ نفر) فوق لیسانس و ۱۳/۶ درصد (۵۲ نفر) دکتری بوده‌اند. از نظر محل سکونت نیز ۲۵/۳ درصد (۹۷ نفر) در شمال تهران، ۱۶/۷ درصد (۶۴ نفر) در شرق، ۲۱/۴ درصد

(۸۲ نفر) در غرب، ۱۷/۲ (۶۶ نفر) در جنوب و ۱۹/۴ (۷۵ نفر) در مرکز این شهر سکونت دارند.

گرایش به مبانی فکری انجمن حجتیه

در این قسمت، ابتدا گرایش جوانان مورد مطالعه به هر یک از مؤلفه‌های مبانی انجمن حجتیه، مورد بررسی قرار گرفته و سپس به مجموع آن اشاره شده است.

جدول شماره ۱: درصد فراوانی گرایش به مؤلفه‌های مبانی فکری انجمن حجتیه

رتبه	مؤلفه	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین ۱-۵
۱	مخالفت با برپایی حکومت اسلامی در دوران غیبت	۱۹	۲۰/۶	۲۹/۴	۱۶/۴	۱۴/۶	۲/۸۶
۲	محدود کردن مسئولیت علمای دینی به احکام مذهبی	۲۳/۲	۱۹/۳	۲۵	۲۰/۸	۱۱/۷	۲/۷۸
۳	جدایی دین از سیاست	۲۴/۲	۱۹/۵	۲۶/۶	۲۰/۱	۹/۶	۲/۷۱
۴	بدعت شمردن فلسفه و عرفان	۱۹/۵	۳۵/۹	۳۵/۷	۷	۱/۹	۲/۳۵
۵	مخالفت وحدت با اهل تسنن	۲۸	۳۲	۲۸/۶	۷/۸	۳/۶	۲/۲۷
۶	محدود کردن منتظران به انتظار منفعل	۲۶/۲	۳۶/۲	۲۹/۷	۶/۳	۱/۶	۲/۲۰
۷	عدم مبارزه با ستمگران و مفسدان در عصر غیبت مهدی	۴۱/۶	۳۷/۸	۱۷/۷	۱/۶	۱/۳	۱/۸۳

با مروری بر آنچه که در جدول شماره ۱ آورده شد، می‌توان به وجود تفاوت در گرایش جوانان مورد مطالعه به مؤلفه‌های مختلف اندیشه انجمن حجتیه پی برد. در این میان، در پیوستار ۱-۵ گرایش به مخالفت با برپایی حکومت اسلامی در دوران غیبت با میانگین ۲/۸۶، از بالاترین رتبه برخوردار است و بعد از آن محدود کردن مسئولیت علمای دینی به احکام

مذهبی با میانگین ۲/۷۸ و جدایی دین از سیاست با میانگین ۲/۷۱ در رتبه‌های بعدی قرار دارد. پس از مؤلفه‌های مذکور، مواردی از قبیل بدعت شمردن فلسفه و عرفان با میانگین ۲/۳۵، مخالفت وحدت با اهل تسنن ۲/۲۷ و محدود کردن منتظران به انتظار منفعل با میانگین ۲/۲۰ حائز رتبه‌های بعدی شدند و عدم مبارزه با ستمگران و مفسدان در عصر غیبت مهدی، با میانگین ۱/۸۳ در پایین‌ترین رتبه قرار دارد.

میزان گرایش جوانان شهر تهران به مجموع مؤلفه‌های اندیشه انجمن حجتیه

با توجه به نتایج تحقیق، می‌توان میزان گرایش افراد مورد مطالعه به مجموع مؤلفه‌های یاد شده را در یک پیوستار رتبه‌ای، از «بسیار کم» تا «بسیار زیاد»^۱ به شرح مندرج در جدول شماره ۲ ملاحظه کرد.

گفتنی است با توجه به اینکه برخی از این مؤلفه‌ها صرفاً به اندیشه انجمن حجتیه اختصاص ندارد، نمی‌توان گرایش به مجموع این مؤلفه‌ها را الزاماً به عنوان گرایش به مبانی فکری انجمن قلمداد کرد.

جدول شماره ۲: درصد فراوانی جوانان مورد مطالعه برحسب گرایش به مجموع مؤلفه‌های مورد بررسی

میزان گرایش	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین
درصد فراوانی	۲۱/۶	۳۰/۵	۳۷	۹/۱	۱/۸	۲/۳۹

با توجه به جدول شماره ۲، می‌توان دریافت که ۲۱/۶ درصد (۸۳ نفر) از پاسخ‌گویان از نظر میزان گرایش به مجموع مؤلفه‌های مورد بررسی، در سطح بسیار کم قرار دارند، ۳۰/۵ درصد (۱۱۷ نفر) در سطح کم، ۳۷ درصد (۱۴۲ نفر) در سطح متوسط، ۹/۱ درصد (۳۵ نفر) در سطح زیاد و ۱/۸ درصد (۷ نفر) در سطح بسیار زیاد قرار دارند. گفتنی است در طیف ۵-۱، گرایش به مؤلفه‌های اندیشه مذکور با میانگین ۲/۳۹، در (سطح کم) ارزیابی می‌شود.

۱ با توجه به آنکه میزان گرایش به مبانی فکری انجمن حجتیه، به صورت یک متغیر فاصله‌ای در طیف ۵-۱ اندازه‌گیری شده است، برای تبدیل آن به متغیر رتبه‌ای، طیف مذکور به صورت مساوی به پنج درجه تقسیم شد. بر این اساس، از ۱ تا ۵ در سطح بسیار کم، از ۱/۸ تا ۲/۵ در سطح کم، از ۲/۶ تا ۲/۳ در سطح متوسط، از ۳/۴ تا ۴/۱ در سطح زیاد و از ۴/۲ تا ۵ در سطح بسیار زیاد محاسبه شده است.

آزمون روابط مفروض بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با گرایش به مجموع مؤلفه‌های انجمن حجتیه

جدول شماره ۳: نتایج آزمون روابط مفروض بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با گرایش به مجموع مؤلفه‌های انجمن حجتیه

نتیجه	سطح معناداری	آماره	نوع آزمون	فرضیه
تفاوت معنادار ندارد	۰/۲۳۱	۴/۲۵۷	T مستقل	رابطه جنس و گرایش به مبانی فکری انجمن حجتیه
همبستگی معنادار ندارد	۰/۳۴۲	-۰/۰۴۹	پیرسون	رابطه سن و گرایش به مبانی فکری انجمن حجتیه
همبستگی معنادار ندارد	۰/۴۶۱	۰/۰۳۸	اسپیرمن	رابطه سطح تحصیلات و گرایش به مبانی فکری انجمن حجتیه
تفاوت معنادار ندارد	۰/۷۹۱	۰/۴۲۴	F آنوا	رابطه محل سکونت و گرایش به مبانی فکری انجمن حجتیه

با مروری بر آنچه که در جدول شماره ۳ آورده شد، می‌توان دریافت که بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از قبیل جنس، سن، سطح تحصیلات و محل سکونت با گرایش به مجموع مؤلفه‌های اندیشه انجمن حجتیه، رابطه معنادار وجود ندارد. به عبارت دیگر، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نقشی در گرایش به اندیشه مذکور ندارد.

نتیجه‌گیری

اندیشه انتظار منفعل در عصر غیبت، از جمله جریان‌های فکری مهم در مذهب شیعه است که طی هفت دهه اخیر انجمن حجتیه آن را در ایران نمایندگی می‌کند. این انجمن در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از منظم‌ترین تشکیلات مذهبی در کشور به شمار می‌رفت که فعالیت تشکیلاتی را از ابتدا در بطن فعالیت خود نهادینه کرده بود. این نظم تشکیلاتی در انجمن با چنان فضایی همراه شده بود که منتقدان آن را از شبه‌فرقه تا تشکیلات فرهنگی تعریف می‌کنند.

مروری بر مبانی فکری انجمن حاکی از وجود مؤلفه‌های مختلف در این باره است که از آن جمله می‌توان به مخالفت با برپایی حکومت اسلامی در دوران غیبت، محدود کردن مسئولیت علمای دینی به احکام مذهبی، جدایی دین از سیاست، بدعت شمردن فلسفه و عرفان، مخالفت وحدت با اهل تسنن، محدود کردن منتظران به انتظار منفعل و عدم مبارزه با ستمگران و مفسدان در عصر غیبت مهدی اشاره کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انجمن حجتیه با افزودن متممی به اساسنامه خود، بدون ایجاد تغییر در اصول و مبانی، به اصلاح برخی مواضع خود نسبت به انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن اقدام کرد. به هر ترتیب، همراهی انجمن با جریان انقلاب اسلامی دیری نپایید؛ تا آنکه در پی انتقادات امام خمینی نسبت به مواضع آن، انجمن در سال ۱۳۶۲ به صورت رسمی فعالیت خود را تعطیل کرد. مطالعات انجام‌شده گویای آن است که به‌رغم تعطیلی انجمن، فعالیت آن به‌طور کامل متوقف نشد و مروّجان و مبلغان این جریان تاکنون با استفاده از روش‌های گوناگون، نظیر برگزاری جلسات مذهبی و تأسیس مدارس غیردولتی و نظایر آن، سعی در گسترش اندیشه‌های خود در بین اقشار مختلف مردم به‌ویژه نسل جوان دارند.

نتایج تحقیق درباره گرایش جوانان به مؤلفه‌های مختلف اندیشه انجمن حجتیه، گویای وجود آن در سطح کم است. بر این پایه، می‌توان گفت که انجمن حجتیه به عنوان یکی از جریان‌های ایستای مذهبی در خشتی‌سازی و سیاست‌گریز کردن قشر مذهبی، به‌خصوص نسل جوان بی‌تأثیر نبوده است. این نتایج همچنین گویای آن است که میزان گرایش به مؤلفه‌های مختلف این اندیشه، در تمامی موارد به یک اندازه نیست؛ به گونه‌ای که گرایش به مواردی از قبیل مخالفت با برپایی حکومت اسلامی در دوران غیبت، محدود کردن مسئولیت علمای دینی به احکام مذهبی و جدایی دین از سیاست که تا حدی نمایانگر مواضع سیاسی افراد است، از شدت بیشتری نسبت به سایر موارد برخوردار است. این نکته خود مؤید آن است که گرایش به برخی مؤلفه‌های مذکور الزاماً به معنای تمایل به مبانی فکری انجمن حجتیه نیست؛ زیرا علاوه بر اندیشه مذکور، عوامل دیگری نیز در ایجاد و گسترش این گرایش اثرگذار است که در این میان، علاوه بر تبلیغ گسترده علیه نظام جمهوری اسلامی، می‌توان به رواج برخی جریان‌های فکری نظیر سکولاریزم و حتی ناکارآمدی برخی از عاملان سیاسی اشاره کرد. به هر ترتیب، وجود این عوامل باعث شده است تا نتوان با قطعیت درباره میزان گرایش جوانان به انجمن حجتیه و مبانی فکری آن قضاوت کرد.

منابع و مأخذ

الف. کتب و مقالات

- آصفی، محمدمهدی (۱۳۸۴)، *انتظار یویا*، ترجمه تقی متقی، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، چ ۲.
- اخگری، محمدرضا (۱۳۶۷)، *ولایتی‌های بی‌ولایت (انجمن حجتیه)*، تهران: انتشارات پرچم.
- اخوان کاظمی، بهرام و مناحمدی‌نسب (۱۴۰۱)، «تحلیل گفتمانی دو مفهوم متعارض از «انتظار» از دیدگاه امام خمینی و انجمن حجتیه»، *فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام*، شماره ۳۳، صص ۷-۳۱.
https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir/article_171373.html
- افتخارزاده، سید حسن (۱۳۸۲)، *گفتارهایی پیرامون امام زمان*، تهران: نیک معارف.
- باقی، عمادالدین (۱۳۶۳)، *در شناخت حزب قاعدین زمان*، قم: نشر دانش اسلامی.
- باغی اصفهانی، محمدرضا (۱۳۷۸)، *مجالس المهملی*، قم: انتشارات نصاب.
- تاجری، حسین (۱۳۵۸)، *انتظار، بذر انقلاب: یادى از قیام جهانی امام مهدی (ع)*، تهران: بدر.
- تونه‌ای، مجتبی (۱۳۸۷)، *موعودنامه: فرهنگ الفبایی مهدویت پیرامون حضرت مهدی (عج)*، غیبت، انتظار، ظهور و...، قم: چاف.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۰)، *جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها [کتاب]: تبیین و تحلیل جریان‌های فرهنگی معارض با فرهنگ ناب محمدی (ص) و علوی (ع) همچون شیطان‌پرستی، موسیقی‌گرایی، معنویت‌های سکولار...*، قم: تعلیم و تربیت اسلامی.
- دیانت عافیت (۱۳۹۳)، تهران: مرکز آموزشی و پرورشی کوثر.
- رجبی، آرش (۱۳۹۴)، *تقد و بررسی انجمن حجتیه*، تهران: کانون اندیشه جوان.
- رضایی، محمد (خرداد و شهریور ۱۳۸۷)، «جریان‌شناسی انجمن حجتیه»، *نشریه آینه پژوهش*، ش ۱۱۰-۱۱۱، صص ۸۳-۱۰۲.
https://jap.isca.ac.ir/article_1200_0f827c4fbd66f7ed08c5f07008e397a0.pdf
- شیرودی، مرتضی و عبدالله نوری (۱۳۹۵)، *جریان‌شناسی فکری و فرهنگی انجمن خیریه حجتیه در ایران معاصر*، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- صدقی، ابوالفضل (۱۳۸۸)، «جریان‌شناسی انجمن حجتیه»، *فصلنامه تخصصی ۱۵ خرداد*، دوره سوم، س ۶، ش ۲۰، صص ۱۲۹-۱۶۸.
<https://iranemoaser.ir/wp-content/uploads/2020/12/20-123-162.pdf>
- علوی، سید صادق (تابستان ۱۴۰۰)، «تربیت اجتماعی انجمن حجتیه: مکتب تربیتی یا گروهک ایدئولوژیک؟»، *فصلنامه تخصصی فرقی و ادیان (روشنا)*، دوره یازدهم، ش ۸۹، صص ۴۱-۴۲.
<https://www.magiran.com/p2320307>
- علیانسیب، سید ضیاءالدین و سلمان علوی نیک (۱۳۸۵)، *جریان‌شناسی انجمن حجتیه: قم: زلال کوثر*.
- عیسی‌نیا، رضا (۱۳۸۷)، «درآمدی بر دکرین‌های مرتبط با فلسفه مهدویت در جمهوری اسلامی»، *فصلنامه انقلاب اسلامی*، س ۴، ش ۱۵، صص ۷۵-۱۰۳.
<http://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-1829-fa.html>

- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۹۵)، گونه‌شناسی فکری سیاسی حوزه علمیه قم، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فیض افرا، داود و حسین ارجینی (۱۳۹۷)، «بازتولید اخباری‌گری در عصر انقلاب اسلامی (چالش‌ها و تهدیدها)»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۵، ش ۵۴، صص ۸۹-۱۰۸.
<http://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-854-fa.html>
- قوی‌هیكل بوانلو، عاطفه (۱۳۹۷)، «تأثیر باور به مهدویت در معنابخشی به زندگی انسان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- کشاورز شکر، عباس و امین خدابخشی (۱۳۹۴)، «انسان منتظر از دیدگاه انجمن حجتیه و امام خمینی^(۶)»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ش ۴، صص ۹۱-۱۲۰.
https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir/article_38970.html
- کمالی، موسی (۱۳۹۱)، پاسخ به یکصد سؤال و شبهه پیرامون امام عصر و فرهنگ مهدویت، قم: بنیاد معارف اسلامی.
- گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان (۱۳۸۹)، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- موسوی، سید محمد (۱۳۸۲)، آیین و اندیشه، تهران: حکمت.

ب. درگاه‌های الکترونیکی

- سایت حجتیه، «بازشناسی مبانی فکری انجمن حجتیه (۲)»، تاریخ انتشار: شنبه ۹ تیر ۱۳۸۶، بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۵ <https://hojjatieh.blogspot.com/1389/12/22/post-20>
- رحیمی، آرتا [بی‌تا]، «سراب» (بررسی عملکرد فرقه انحرافی انجمن حجتیه)، منتشرشده در وبسایت فرهنگی، مذهبی و ارزشی خیمه‌گاه www.moasese.blogfa.com
- روزنامه صبح آزادگان (۱۳۶۰/۱۱/۲۶)، ش ۵۹۱ (قسمت دوم مصاحبه با مهندس طبیب).

List of Sources with English handwriting

- Akhavan Kazemi, Bahram and Mona Hamidi-Nasab (1982), "Discourse analysis of two conflicting concepts of "expectation" from the Perspective of Imam Khomeini and the Hojjatiyeh Association, Quarterly Journal of Political Thought in Islam, No. 33, pp. 7-31.
https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir/article_171373.html [In Persian]
- Akhgari, Mohammad Reza (1988), Velāyatī-hāye bī Velāyat (Hojjatiyeh Association), Tehran: Parčam Publications. [In Persian]
- Alavi, Seyyed Sadeq (2011), "Social Education of Hojjatiyeh Society; Educational School or Ideological Group?", Specialized Quarterly, Sect and Religions (Roshna), Volume 11, No. 89, pp. 41-42. <https://www.magiran.com/p2320307> [In Persian]
- Ali Ansab, Seyyed Ziauddin and Salman Alavi Nik (2006), the Flow of the Hojjatiyeh

- Society: Qom: Zolāl-e Kausar. **[In Persian]**
- Asefi, Mohammad Mehdi (2005), *Entezār-e Pooyā*, translated by Taqi Mottaqi, Tehran: Cultural Foundation of the Promised Mahdi, 2nd edition. **[In Persian]**
 - Baghi Isfahani, Mohammad Reza (2009), *Majāles-e al-Mahdi*, Qom: Našāyeh Publications. **[In Persian]**
 - Baghi, Emad al-Din (2004), In *Understanding the Party of the Qā'edīn of the Time*, Qom: Islamic Knowledge Publications. **[In Persian]**
 - Eftekhazadeh, Seyyed Hassan (2003), *Speeches about the Imam of the Time*, Tehran: Nīk Ma'āref. **[In Persian]**
 - Feizafra, Davoud and Hossein Arjini (2018), "Reproduction of Akhbarism in the Age of Islamic Revolution (Challenges and Threats)", *Scientific Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies* 2019; 15 (54):89-108.
<http://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-854-fa.html> **[In Persian]**
 - Forati, Abdul Wahab (2016), *Political Intellectual Typology of Qom Seminary*, Qom: Islamic Culture and Thought Research Center. **[In Persian]**
 - Isania, Reza (2008), "AN INTRODUCTION TO DOCTRINES OF MAHDAWIYYAT IN RELATION TO PHILOSOPHY OF MAHDAWIYYAT IN ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN", *Islamic Revolution Quarterly*, Vol. 4, No. 15, pp. 75-103.
<http://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-1829-fa.html> **[In Persian]**
 - Kamali, Musa (2012), *Answers to One Hundred Questions and Doubts about the Imam of the Age and the Culture of Mahdism*, Qom: Islamic Education Foundation. **[In Persian]**
 - Keshavarz Shokri, Abbas and Amin Khodabakhshi (2015), "Waiting Man" From the Imam Khomeini and Hojatieh Association's Point of View", *Quarterly Journal of Political Thought in Islam*, Vol. 4, pp. 91-120.
https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir/article_38970.html **[In Persian]**
 - Khosropanah, Abdolhossein (2011), *The Currents of Countercultures [Book]: Explanation and Analysis of Cultural Currents Opposing the Pure Culture of Mohammadi (PBUH) and Alawi (AS) Such as Satanism, Musicism, Secular Spiritualities.*, Qom: Islamic Education and Training. **[In Persian]**
 - Mousavi, Seyyed Mohammad (2003), *Religion and Thought*, Tehran: Hekmat. **[In Persian]**
 - Qoviheikal Buvanloo, Atefeh (2018), "The Effect of Belief in Mahdism in Giving Meaning to Human Life", Master's Thesis, Ferdowsi University of Mashhad. **[In Persian]**
 - Rajabi, Arash (2015), *Criticism and Review of the Hojjatiyeh Society*, Tehran: Kānoon Andīseh- ĵavān. **[In Persian]**
 - Religion of Peace (2014), Tehran: Kausar Educational and Training Center. **[In Persian]**
 - Rezaei, Mohammad (2008), "The Flow of Hojjatiya Society ", *Aineh Pajoosheh Journal*, No. 110-111, pp. 83-102.
https://jap.isca.ac.ir/article_1200_0f827c4fbd66f7ed08c5f07008e397a0.pdf **[In Persian]**
 - Sedghi, Abolfazl (2009), "The Flow of Hojjatiyeh Society ", *Specialized Quarterly*, 15th Khordad, Volume 3, issue. 6, No. 20, pp. 129-168.

- <https://iranemoaser.ir/wp-content/uploads/2020/12/20-123-162.pdf> [In Persian]
- Shiroudi, Morteza and Abdullah Nouri (2016), Intellectual and Cultural Flow of Hojjatiyeh Charity Society in Contemporary Iran, Qom: Zamzam Hedāyat Publications. [In Persian]
 - Tajeri, Hossein (1979), Entezār, Bazr-e Enqelāb: Yādī az Qīyām-e jahānī-ye Imām Mahdī (AS), Tehran: Badr. [In Persian]
 - Touneyi, Mojtaba (2008), Mouood Nameh: alphabetical dictionary of Mahdaviat, Qom: čāf. [In Persian]
 - Typology of the Thought of the Promised Savior in Religions (2009), Qom: University of Religions and Schools. [In Persian]

Electronic sources

- Hojjatiyeh website, “Recognizing the Intellectual Foundations of the Hojjatiyeh society (2)”, Publication date: Saturday, July 26, 2007, retrieved on 25/06/1403, available at: <https://hojjatieh.blogspot.com/1389/12/22/post-20> [In Persian]
- Rahimi, Arta [n.d.], “Sarab” (Investigation of the Performance of the Deviant Sect of the Hojjatiyeh society), Published on the Cultural, Religious and Values Website of the Tent, available at: www.moasese.blogfa.com [In Persian]
- Šobh-e Āzādegān Newspaper (11/26/1360), No. 591 (Part Two of the Interview with Engineer Tayyeb). [In Persian]

